

مقدمه - هنر معماری اسلامی از لحاظ زیبایی و تناسب
بحدی در دنیای قدیم (آسیا، آفریقا و اروپا) تأثیر کرده که
تا مدت‌ها معماران مسیحی تحت تأثیر اصول آن بوده و از قوانین
ترئینات داخلی آن در کلیساها و ابنیه خود استفاده میکرده‌اند.
مطالعه در این رشته که بتدریج قسمت‌های مختلف آن از نظر
خوانندگان عزیز خواهد گذشت ما را به فلسفه نقوش و ترئینات
اسلامی که در بناها و شهرهای مختلف شرق و غرب بچشم میخورد
آشنا میسازد.

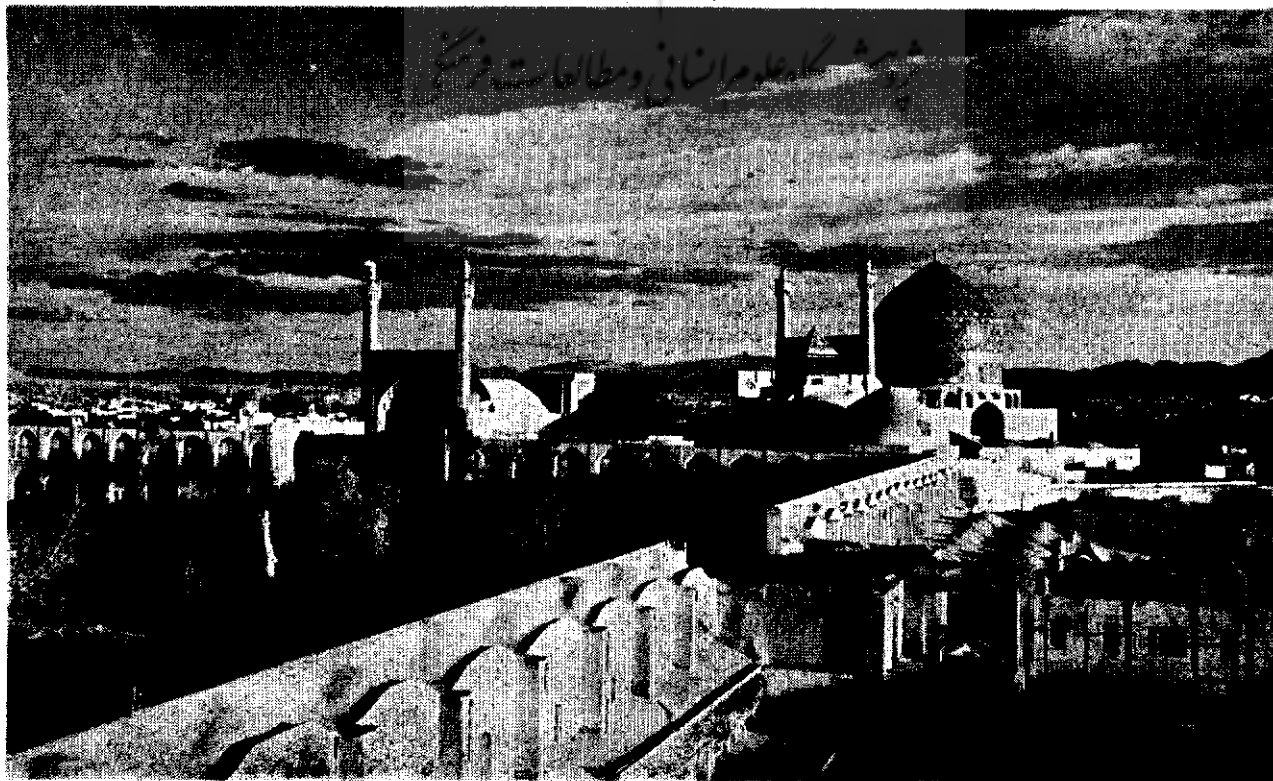
البته تاریخ معماری اسلامی و ترئینات داخلی و هنرهای
مختلف آن در کشورهای مختلف اسلامی جهان مورد بحث قرار
خواهد گرفت و تأثیر آن روی ابنیه مسیحی بعد از اسلام بدقت
بررسی میشود. دانشمندان فن آثار و ابنیه اروپائی را که از
قدیم باقیمانده چندانکه باید مورد دقت قرار نداده‌اند و در راه
تدوین تاریخچه و توصیف عمارات الحمراء و بعضی مساجد مصر
و بیت المقدس بذل توجه نموده‌اند. در صورتیکه برای مطالعه
در اصول ساختن شهرهای مختلف کشور ما و سایر کشورهای
اسلامی لازم است ابتدا قسمت‌های مختلفی را که یک شهر اسلامی
بدان احتیاج دارد از قبیل: مساجد، خانه‌ها، قصور، بازارها،
حمام‌ها و گورستانها و طرز شهرسازی از لحاظ تناسب، و همچنین
وضع جغرافیائی و کیفیت استفاده از مواد مختلفی که در هر
منطقه برای ساختمانها یافت میشود مورد بررسی قرار داد.
نمونه‌ای از شهرهای اسلامی - پس از اینکه پرچم اسلام
باهتزاز درآمد در پیرامون کعبه (خانه خدا) که در دوران
پیش از اسلام بتکنه بزرگ اعراب بدوی بود خانه‌هایی ساخته

معماری و ترئینات اسلامی

در کشورهای جهان اسلام ایران

نمونه‌های ایرانی

نمونه‌ای از یک شهر دوره اسلامی



شد. زایرینی که از فرسنگها راه برای زیارت میآمدند برای سکونت احتیاج بمکانی مناسب داشتند و زایرینی کاروانسراهای متعددی ساخته شد. این کاروانسراها محوطه‌هایی مربع شکل حیاط مانند داشتند که در وسط آن آب‌انبارهایی روپوشیده قرار داشت. دورتادور این محوطه صفاهایی میساختند که از سطح حیاط بالاتر بود و درهایی بمحجره‌های کوچک داشت که محل استراحت زایرین و مسافران بود. در پشت این اطاقها و در سراسر چهارگوش حیاط، دالانی سرپوشیده قرار داشت که محل اطراق شترها و قاطرهای کاروان بشمار میرفت. پس از کاروانسراها خانه‌های کوچکی بودند که باچوب و گل دوطبقه میساختند که بجای مسافرخانه‌های امروز مورد اجاره زایرین قرار میگرفت.

پس از آن قصر حاکم شهر و دیوانخانه بود که به دیوارهای سفید کنگره‌دار محصور شده و درب‌قطور و دروازه‌مانندی داشت که همیشه نگهبانان و شرطه‌ها بر آن پاس میدادند. داخل قصر بدو قسمت تقسیم شده بود که هر یک دری جداگانه بخارج داشت. این دو قسمت عبارت بود از قسمت بیرونی که محل جلوس شیخ حاکم و یازان او بود. در این قسمت تالاری وسیع با پنجره‌ها و بادگیرهای مشبك قرار داشت، که پیوسته گذرگاه بادهای صحرائی بود. در اطراف ساختمان، ایوانهای وسیع سرپوشیده قرار داشت که به طارمی‌های ظریف مشبکی منتهی میگشت و پنجره‌ها و درهای ساختمان باین ایوانها باز میشد. این ایوانها

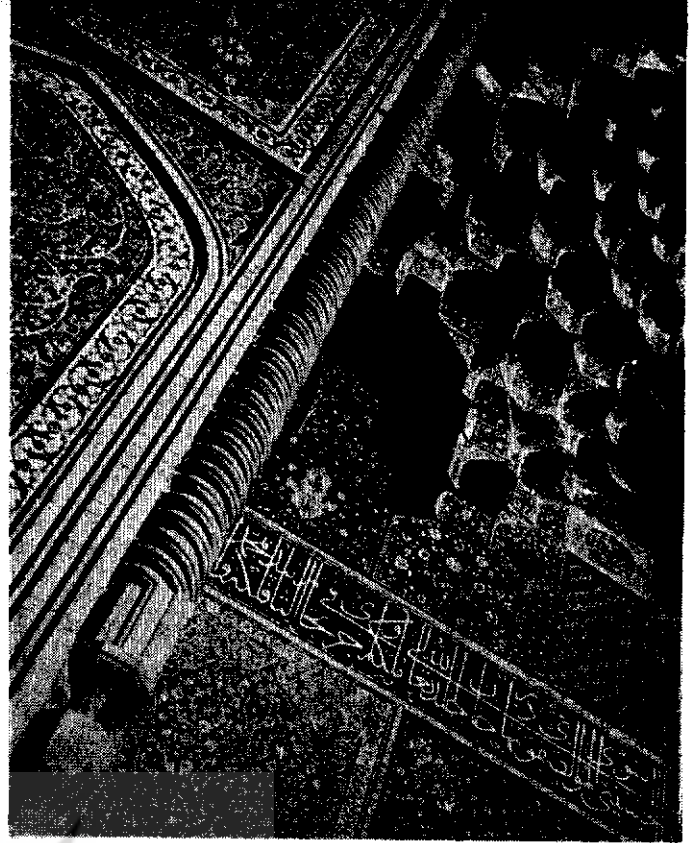
برای خنک نگاهداشتن تالارها نقش بزرگی بازی میکرد. این بادگیرها که از یک طرف به داخل زیرزمین و سرداب و تالارها راه داشت از طرف دیگر تا بام خانه‌ها، بصورت برجی با کاشی‌های مشبك که برنگهای لاجوردی و آبی وزرد ساخته شده بالامیرفت. این بادگیرها از یک طرف هوای گرم را از حفره‌های پرپیچ و خمی میگذرانید تا وقتیکه به سرداب‌ها و تالارها می‌پیچید بسیار خنک باشد و از طرفی هوای دم‌کرده را از زیرزمینها به بالامیبرد. اطاقهای دیگری هم در اطراف تالار دیوانخانه وجود داشت که عبارت بود از تالاری مجلل و اطاقهای کوچک دیگر که برای پذیرائی و استراحت مهمانان شیخ اختصاص داده شده بود و همچنین قراولخانه که محل استراحت قراولها و انبار اسلحه آنها بود. در قسمت دیگر قصر که در پشت ساختمان بیرونی قرار داشت اندرونی بود. در قسمت اندرونی تالارهای مجلل و وسیع و همچنین اطاقهای کوچک که با انواع توریها و پارچه‌ها زینت یافته بود قرار داشت.

زیرزمینهای اندرون که محل استراحت روزانه شیخ بود دیوارها با کاشیکاری‌های معرق برنگهای آبی و لاجوردی و بنفش و سبز و سیاه که مجموعه آنها با خطوط و سطوح هندسی یا اسلیمی و خطائی بنظر میرسید تزئین شده بود و نور کمی را که از پنجره‌های بالا بدرون میتابید مانند نور ماه بسیار کم‌رنگ و رؤیائی منعکس میکرد. در میان سردابه‌ها حوضخانه‌های بسیار زیبا بشکل

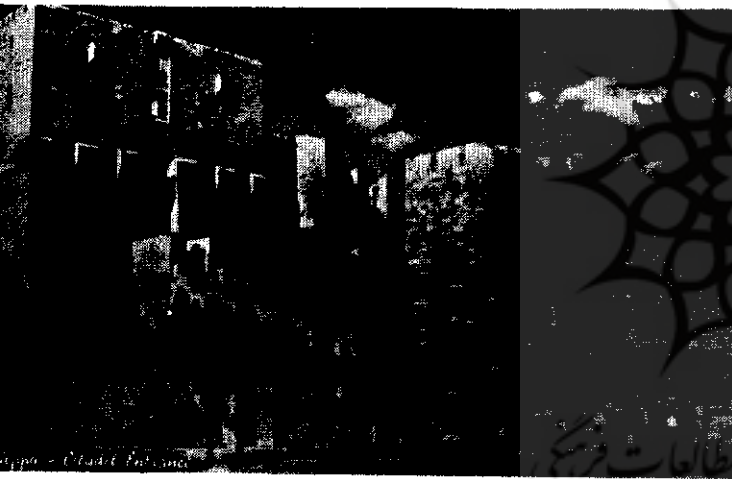
نمونه دیگری از ساختمان اشرافی دوره اسلامی



تا دور آن مردم می‌ایستادند و با پرداخت مختصر پولی سرگرم می‌شدند. البته در این بازارها شعرای قصیده سرا چکامه‌های خود را می‌خواندند و شیواترین آنها را بر پوست آهو می‌نگاشتند و بشکل لوله طوماری از دکاه می‌آویختند و جوائز هنگفتی که از طرف مردم جمع شده بود به فصیح‌ترین شعرای اعطا می‌گردید. این نوع بازارها فقط در روزهای معینی از هفته برپا بود و در روزهای دیگر آنرا جمع می‌کردند ولی بازارهای سرپوشیده که نمونه‌هایی از آن هنوز در بعضی از شهرهای شرق باقی مانده ساخته شده بود. این بازارها باطاقهای ضریبی بر روی خیابانی پیچ‌درپیچ ساخته میشد و در انتهای هر اطاق گنبدی شکل، سوراخ گردی وجود داشت که نور را بداخل بازار می‌پراکند. در دو طرف بازار حجره‌های بازرگانان طوری ساخته شده بود که از سطح کف معبر قریب یکمتر بلندتر بود بنحویکه کالاها کاملاً دیده میشد. طریقه ساختن طاقهای ضریبی بدین‌قرار است که روی چهار پی مربع شکل که تا ارتفاع ۴ الی ۶ متر بالا رفته بود پل ضرب در را بصورتی که آجرروئی یک سوم از آجرزیری



ترئینات داخلی یکی از مساجد اسلامی



مدخل یکی از شهرهای اسلامی

جلوآمده تر باشد بوسیله آهک و ساروج بالا می‌برند پس از خشک شدن با آجرهای خطائی قسمتهای باز سقف را تیغه میکنند. البته در یک بازار تعداد طاقها بوسعت بازار بستگی داشت افزایش و بزرگی دهانه هر دکان نیز باندازه دهانه یک طاق وابسته بود. با در نظر گرفتن گرمی هوا در این شهرها البته وجود سقفهای ضریبی و قوس‌دار بازار به تلطیف و خنکی هوا کمک مؤثری میکرد.

حمامها: حمامهای شهرهای اسلامی اگر چه تحت تأثیر حمامهای رومی محوطه بسیار بزرگی بود که بزرگان و مردم اغلب امور بازرگانی و سیاسی خود را در آن حل و فصل میکردند ولی مشخصات دیگری هم داشت که ذیلاً بآن اشاره میکنیم:

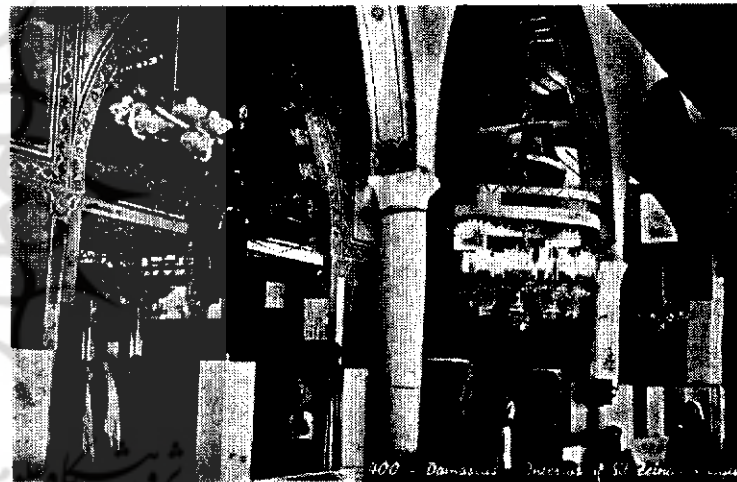
کثیر الاضلاعهای هشت گوش بنا میکردند. حوض‌ها با کاشی‌های فیروزه‌ای و فواره‌ها که منبع‌های آب آن در بالای بام یا تپه‌های مجاور شهر قرار داشت بی‌الا جستن میکرد و بفضا خنکی مطبوعی می‌بخشید. در چهار طرف از هشت گوش اطراف حوض سکوهائی از سنگ مرمر باطاقهای هلالی شکل که بر روی ستون‌هایی نارنجی از گل پخته با لعاب فیروزه‌ای رنگ قرار داشت بچشم میخورد. در داخل این صفه‌ها که با بوریاهای بسیار ظریف بافته شده بود بالش‌هایی نرم از مخمل قرار داشت که محل نشستن حرم شیخ و سوغلی‌ها بود که در آنجا آزادی کاملی داشتند. البته ساختمان حرم‌سرا با درختهای موز و نخل خرما که بر گهای پهنی داشت و دیگر درختان و گل‌های مناطق گرمسیر از نظرها پنهان میشد و پنجره‌ها به شیشه‌های رنگینی مزین بود که نور را چون منشوری تجزیه میکرد و بدرون تالارها می‌پراکند. پس از قصر حاکم ساختمان خانه‌ها، دکانه‌ها و بازارهای شهر قابل ذکر است. البته در محوطه‌های وسیعی در کنار حصار شهر در روزهای معینی از هفته از اطراف و اکناف و حتی از شهرهای دیگر بازرگانان و کشاورزان کالاها و محصولات و مصنوعات خود را در دکانهائی که باچوب و تخته و پارچه از آفتاب محفوظ بوده است عرضه می‌نمودند.

گاهی برای انواع و اقسام تفنن و بازیها مانند جنگ خروسها یا سرشاخ شدن گاوها و گاهی هم برای تردستی‌ها و شعبده بازیها مکانهای باچوب بشکل سکو می‌ساختند که دور

حمامها از يك رخت كن و يك گرمخانه و يك قسمت سردخانه تشكيل ميشد . سردخانه يك محوطه كثيرالاضلاع هشت گوش با گنبدی که در بالای آن شیشه‌ها یا سنگهای مرمر ، نوری زرد ومات از خود ميگذرانید ومحوطه حمام را روشن ميساخت . حوض وحوضچه‌هایی با فواره در وسط اين محوطه وجود داشت وسكوهائی برای رخت‌كنی در اطراف قرار گرفته بود .

دالان‌هایی این قسمت را به محوطه گرمخانه منتهی میکرد در آنجا سكوهای سنگی برای شستشو وهمچنين حوض‌های آب گرم وجود داشت اين حوض‌ها توسط ديگهائی بزرگ چدنی که تون نامیده ميشد گرم ميگشت . نورحمامها معمولاً از بالای طاقی‌هایی که با شیشه یا سنگ مرمر پوشیده شده بود تأمین ميگشت .

در ضمن چاههای دهانه‌گشاد وعمیقی در کنار حمام وجود داشت که بوسيله گاو ومشگهائی بزرگ پيوسته آب را از اعماق زمين برای گرم شدن واستفاده درحمامها ميکشيد . حوضهای



در ورودی یکی از زیارتگاههای اسلامی

منتهی ميشد . صحن از يك حياط مستطیل یا مربع شکل وسيع که در وسط آن حوض وسيعی برای وضوی مؤمنين ساخته شده بود تشكيل مي‌يافت . سكوئی برای نماز جماعت از سنگ در جلو پيشخوان مسجد قرار داشت . در ضلع جنوبي ، شبستانی که گنبد بزرگ مسجد بر روی آن مستقر گشته قرار گرفته و در دو طرف ديگر محوطه‌های سرپوشیده وسيعی با طاقهای ضریبی وستونهای کوتاه سنگی که كف آن از گلیم یا بوریا پوشیده شده وبرای اقامت وبيتوته مسافرين ورهگذران وسياحان وزائرین اختصاص داده شده بود . هر مسجد بزرگ يك یا چند مدرسه در کنار خود داشت . اين بناها که مخصوص طلاب علوم دينی است از حجره‌های کوچکی که پنجره‌های مشبکی بخارج داشت و در جلو آنها ايوانی بود که با يك یا چند پله بمحوطه حياط مدرسه وارد ميشد .

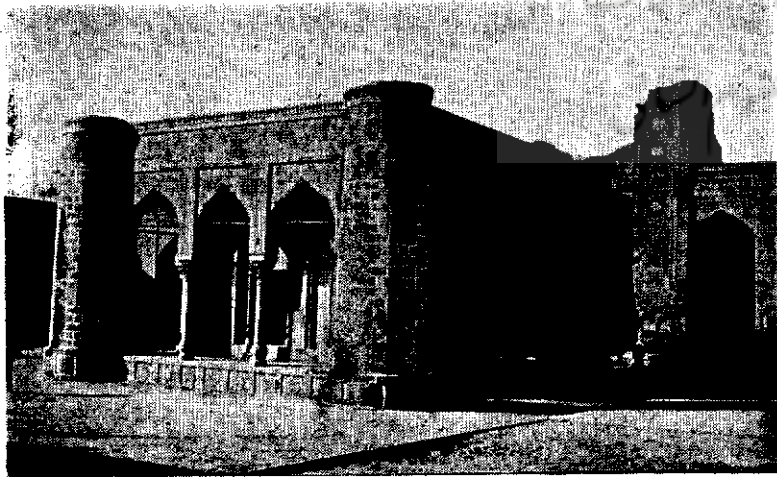
حجره‌ها محل بيتوته شاگردان و پله‌ها محل بحث طلاب بود . هزینه ساختمان اين مدارس از محل اوقاف مجامع مذهبی است .

شهرها اصولاً روی تپه‌ها بنا ميشده است . ديگر از امکنه مورد لزوم يك شهر ساختمان بقاع وتكایا و گورستانها بود که معمولاً در اطراف امامزاده‌ها وبقاع بزرگان مذهبی بنا ميشده است .

معمولاً سنگ قبر مقدسين اسلامی بوسيله معجزه‌ها و پرده‌ها پوشیده ميشده است .

بقاع و گورستانهای مردم در خارج و اطراف شهر قرار دارد . اين منظره قسمتهائی از يك شهر اسلامی بود .

در مقاله آینده درباره سبك معماری وتزیینات ساختمانی که در يك شهر اسلامی بدان اشاره شد در کشورهای مختلف وزمانهای تاريخی گوناگون بحث خواهيم کرد .



نونه‌ای از مساجد اوایل دوره اسلامی که سادگی آن بچشم ميخورد

بزرگ استخرمانند (چاله حوض) که از آب سرد پر شده بود برای شنا ضمن استحمام ساخته ميشد .

مساجد : هر شهری يك مسجد بزرگ بنام مسجد جامع داشت که در اعياد مذهبی مانند عيد قربان ميبايت امام جمعه در پيشاپيش اهالی شهر در آن نماز بايستند . و پس از آن مساجد کوچکتری هم بودند که در هر محله‌ای وجود داشت .

ساختمان يك مسجد از قسمتهائی زیر تشكيل ميشد : از درب ورودی که بسيار بزرگ ساخته شده بود به محوطه که سقاخانه‌ای سنگی در وسط آن قرار گرفته وارد ميشدند و دو دالان در طرفين اين محوطه قرار داشت که به صحن مسجد